

مقدمه

مسیحیت از آغاز تاکنون، معتقد به قوانینی بوده است که براساس ساختارهای متفکران دینی آن بنا شده است، این تشکیلات روحانی و انتصاب‌ها، با فاصله‌ای نسبتاً زیاد به حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد که به‌عنوان مرجعی موثق تلقی می‌شود. و در طول زمان و براساس نیازهایی که برای سازمان‌دهی کلیسا احساس می‌شد، این سلسله‌مراتب به‌وجود آمد. مدیریت و ریاست در سطح بالای آن به‌عهده اسقف است و تمام امور و نظم در کلیسا، وابسته به نظارت و برنامه‌ریزی او انجام می‌شود.

تمام آداب و مراسم دینی برطبق نظرات اسقف تعیین و به‌ترتیب، به مناصب پایین‌تر ارجاع داده می‌شود. رتبه‌ها در کلیسا از جایگاه مهمی برخوردارند. این رتبه‌بندی، از آغاز با شکل‌گیری کلیسای کاتولیک رم متولد شد، بخصوص مقام اسقفی در کلیسای انگلیکن محور و رأس امور به‌شمار می‌آید. این اجتماعات، در کلیسای انگلیس هم به شکل مستقلی عمل می‌کند و همگی از سراسقف کلیسای کاتولیک رهبری می‌شوند. در خود کلیسا نیز مراتب رعایت می‌شود؛ هر فرد روحانی مسئول انجام کاری است.

هدف از نگارش این مقاله، تبیین تفاوت‌ها و نقاط مشترک میان کلیسای کاتولیک رم و کلیسای انگلیس، بخصوص انگلیکن‌ها می‌باشد. وظایف و سلسله‌مراتبی مختص آنها و مهم‌ترین مباحث موردنظر اسقف‌ها، بخصوص اسقف اعظم کلیسای جامع کاتولیک رم می‌باشد.

تفاوت‌ها مصلحان پروتستان، که کلیسای انگلیس هم از همین اصول پیروی می‌کند، هیچ‌گونه اختلافی در محور «مسیح‌شناسی»، «عیسی‌خدایی» و «الهیات تثلیثی» با سایر مسیحیان نداشتند. همه آنها «اعتقادنامه نیقیه» و سایر اعتقادنامه‌ها را تصدیق می‌کردند. آموزه «تجسد خدا» و «تثلیث الوهیت» را کاملاً قبول داشتند. در مقابل، در برخی مسائل اعتقادی و آیین‌های مذهبی، راه خود را از سایر مسیحیان جدا کرده بودند. یکی از مهم‌ترین محورهای اختلاف، مسئله «حجیت کلیسا» است. آنها معتقدند که «کتاب مقدس و تنها کتاب مقدس، حجت است.» درحالی‌که کلیسای کاتولیک معتقد است: «مرجع تشخیص عقاید صحیح و واسطه فیض، کلیسایی است که سلسله‌مراتب اسقف‌هایش، به رسولان و در نهایت، به مسیح برسد.» طبق سخن کاتولیک‌ها، کتاب مقدس باید به‌وسیله کلیسا و پاپ تفسیر گردد. درحالی‌که مصلحان معتقدند کتاب مقدس به هیچ مفسری نیاز ندارد؛ هر شخص مسیحی می‌تواند خود به کتاب مقدس مراجعه و آموزه‌های عقیدتی و احکام عملی را از آن استفاده کند. کلیسا جماعت مؤمنان است و رئیسی جز مسیح ندارد.

آداب و مراتب روحانیت در کلیسای کاتولیک رم و انگلیس

کلمه منصوره نجات‌نیا* / بخشعلی قنبری**

چکیده

هرچند کلیسای انگلیس، بین دو کلیسای کاتولیک و پروتستان است، اما این کلیسا را جزء شاخه‌های پروتستانی متمایل به کاتولیک قرار می‌دهند. این کلیسا، معتدل‌ترین کلیسا در اصول و عقاید است و ارائه‌کننده مطالعات روشمند الهیات مسیحی، و به‌عنوان یک کلیسای علمی و آکادمیک مطرح می‌باشد. رتبه‌های روحانیت در کلیسای انگلیس برطبق اصول و قوانینی صورت می‌پذیرد؛ شخص وارد مدارس الهیاتی مسیحیت می‌شود و پس از گذراندن مراحل، به کشیش‌ها کمک می‌کند که به او «شماس» می‌گویند. بعد از گذراندن دوره‌های خاص، به حوزه کلیسایی مربوط معرفی می‌شوند و درجه کشیشی را از دست اسقف اعظم و یا اسقف دریافت می‌کنند. از میان کشیش‌ها، افرادی که واجد شرایط خاصی باشند، پس از طی دوره‌های علمی و خدمت در کلیسا، به مقام اسقفی نائل می‌شوند. در کلیسای کاتولیک پاپ رم، رهبر مسیحیان جهان است و از آنجاکه انتصاب او با واسطه به عیسی مسیح می‌رسد، سخنش برای همه حجیت دارد سلسله‌مراتب روحانی که در کلیسای کاتولیک رم خدمت می‌کنند، عبارت است از: پاپ رهبر کلیسا؛ کاردینال؛ اسقف اعظم؛ اسقف؛ کشیش و دیakon (شماس).
کلیدواژه‌ها: انگلیس، کاتولیک، پروتستان، کشیش، شماس، اسقف، پاپ، کاردینال.

کاتولیک‌ها مناصب کلیسایی را به هفت رتبه تقسیم می‌کنند. اما پروتستان‌ها و ارتدوکس‌ها مناصب را تنها سه رتبه می‌دانند: اسقفی، کشیشی و شماسی. به علاوه، لزوم تجرد کشیشان را هم انکار می‌کنند. لوتر تأکید می‌کرد که باید به کشیشان اجازه زناشویی داده شود. دعا برای مردگان، که در کلیسای کاتولیک و ارتدوکس آمده است و موجب دریافت احتمالی نور الهی است، در فرق کلیسای پروتستان فاقد ارزش است. به گفته لوتر، زیارت اماکن مقدس، روزه و برگزاری مراسم دعا برای مردگان، باید منسوخ شود.

تصاویر شخصیت‌های مقدس کلیسایی و فرشتگان، از دیرباز مورد احترام فوق‌العاده کلیسای کاتولیک بوده و طبق تعالیم رسمی کلیسایی، احترام به تصاویر، تنها در صورتی که به قصد احترام به شخص صاحب تصویر باشد، جایز است. کلیسای انگلستان هم وجود تمائیل و تصاویر در کلیسا را جایز نمی‌داند و این‌گونه احترام را پرستش تلقی می‌کنند (لین، ۱۳۸۶، ص ۴۷۶).

سلسله مراتب کلیسای کاتولیک رم

۱. پاپ: رهبر کلیسا، وی در واتیکان مستقر است. کاتولیک‌ها اعتقاد دارند پاپ در تعریف موضوعات ایمانی و اخلاقی خطاناپذیر و معصوم است.
۲. کاردینال: توسط پاپ منصوب می‌شود. ۱۷۸ کاردینال در سراسر دنیا وجود دارد. عده‌ای از این کاردینال‌ها، شورای کاردینال‌های انتخاب پاپ را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان مشاور پاپ محسوب می‌شوند و در زمان مرگ او پاپ جدید را انتخاب می‌کنند.
۳. اسقف اعظم: اسقفی است که در قلمرو ناحیه‌ای در شهرهای اصلی به کلیسا خدمت می‌کند که این ناحیه، قلمرو زیرنظر اسقف اعظم نیز نامیده می‌شود. یک کاردینال می‌تواند اسقف اعظم نیز باشد.
۴. اسقف: وی همانند کشیش در یک جا مستقر بوده و آموزگار اصول تعلیمی کلیسا است و بر کار کشیشان نظارت دارد.
۵. کشیش: وی مسئول انجام کارها و مراسم عبادی از جمله عشای ربانی، تعمید و ازدواج است.
۶. دیکون (شماس): این مقام کلیسا یک درجه پایین‌تر از کشیش است و به کسی گفته می‌شود که برای کشیش شدن آماده می‌شود. در کلیسای پروتستان، به این مقام «شماس» گفته می‌شود و کشیش را برای امور غیرنیاشی یاری می‌کند. یک دیکون، همیشگی می‌تواند ازدواج کند و در اجرای برخی از آداب و رسوم دینی به کشیش کمک کند (علم‌خواه، ۱۳۹۲).

بنابراین، هیچ فرد و نهادی واسطه فیض نیست. کلیسای کاتولیک و ارتدکس، در بحث حجیت کلیسا، دو نکته را مطرح می‌کردند (مولند، ۱۳۶۸، ص ۳۵، ۶۳، ۵۹-۵۷، ۳۸).

۱. غیر از کتاب مقدس، تعالیم شفاهی دیگری از حضرت عیسی باقی مانده و سینه به سینه نقل شده است.

۲. کلیسا معصوم است و هرگاه در موضع فتوا دادن قرار می‌گیرد، با تأیید روح‌القدس از خطا در امان می‌ماند (توفیقی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹-۱۵۰).

کلیسای کاتولیک، «فیض خداوند» و «اعمال صالح» را شرط سعادت بشر می‌داند. اعمال نیک عبارتند از: احکام خدا، یعنی احکام ده‌گانه عهد عتیق و اخلاق کامل مسیحیت. اخلاق مسیحیت، قوانین عملی مشخصی است که بر عهده اشخاص گذاشته می‌شود، مانند حضور در مراسم کلیسایی، شرکت در عشای ربانی، حضور برای اعتراف به گناه و مواردی دیگر. اما پروتستان‌ها در حصول نجات، «ایمان» را کافی می‌دانند. مارتین لوتر معتقد بود: «وقتی خدا فردی را می‌پذیرد، او را تغییر می‌دهد. پس اعمال صالح نتیجه ضروری ایمان است» (کرزن، ۲۰۰۸، ص ۱۶۸؛ مک کراث، ۱۳۸۷، ص ۵۱-۴۷۱-۴۷۲).

اختلاف دیگر در مسئله «عشای ربانی» است. کاتولیک‌ها این آیین را به‌منزله تقدیم قربانی به خداوند می‌دانند که لازم است تحت اشراف روحانیان انجام پذیرد. به علاوه، بر این مطلب تأکید می‌کند که در مراسم عشای ربانی، «نان و شراب» حقیقتاً و ذاتاً به «خون و گوشت مسیح» تبدیل می‌شود. این آموزه را «تبدل جوهر» می‌نامند. اما لوتر هر دو مطلب را رد نموده، معتقد بود که خداوند در همه‌جا حضور دارد و در نظریه «هم ذات شدن با خدا» این نکته را مطرح کرد که خداوند از همان اول در اجزای نان و شراب حضور داشته است. البته اصلاح‌گران سوئیسی، همچون تسوینگلی به این باور رسیدند که نان و شراب، صرفاً نماد حضور مسیح در آیین عشای ربانی هستند (همان، ص ۱۹۶-۲۰۳).

مسئله اختلافی دیگر «اعتراف» است. شخص گناهکار مقابل کشیش می‌ایستد و اعتراف خود را درحالی‌که سرش را به موازات کمر بند کشیش خم کرده، اظهار و اعلام پشیمانی می‌کند. کشیش نیز شخص توبه‌کننده را به تناسب بزرگی گناهش به دعا، روزه و زیارت‌های مخصوص مکلف می‌سازد. کاتولیک‌ها به «برزخ» اعتقاد دارند. برزخ جایگاهی است که مؤمنان گناهکار، یعنی کسانی که پس از تعمید گناه کرده و مجازات دنیوی مقرر را تحمل نکرده‌اند، پس از مرگ مدتی در آنجا کفاره گناهان را می‌گذرانند. ارتدوکس‌ها هم به برزخ اعتقاد دارند، ولی چنین اعتقادی نزد کلیسای فرق پروتستان‌ها پذیرفته نیست.

آداب کلیسای کاتولیک روم

در مذهب کاتولیک روزه‌داری، کاهش وعده‌های غذایی به یک وعده است که نباید همراه با گوشت باشد و دو وعده سبک که خوردن غذاهای جامد میان وعده‌ها جایز نیست و روزه مختص به افراد ۱۸ تا ۵۹ ساله است. پرهیز کامل برای افرادی که بیش از ۱۴ سال سن دارند، ضروری است. برای انجام آن، باید یک روز کامل از خوردن گوشت و مشتقات آن پرهیز کرد. پرهیز جزئی دربرگیرنده تناول گوشت در یک وعده در طول روز است. پاپ پیوس دوازدهم، در سال ۱۹۵۶ برخی قوانین روزه‌داری را تسهیل کرد و پاپ پل ششم، برخی قوانین دشوار روزه کاتولیک روم را تغییر داد و توصیه کرد که روزه‌داری باید متناسب با وضعیت اقتصادی محلی باشد. همه کاتولیک‌ها به صورت اختیاری روزه می‌گیرند. در آمریکا دو روز روزه اجباری برای کاتولیک‌ها وجود دارد و آن چهارشنبه خاکستر و جمعه‌الصلیب (روز تصلیب مسیح) است.

جمعه‌های ایام روزه و پرهیز نیز روزهایی است که کاتولیک‌ها طی آن از خوردن گوشت اجتناب می‌کنند. در میان سنت‌های کلیسای کاتولیک، می‌توان به پرهیز از خوردن پیش از حضور در مراسم عشاء ربانی نیز اشاره کرد. اما امروزه این قوانین تسهیل شده و کاتولیک‌ها باید یک ساعت پیش از مراسم عشاء ربانی از خوردن اجتناب کنند. درحالی‌که هنوز هم برخی کاتولیک‌ها از قوانین قدیمی‌تر پیروی می‌کنند. در کلیسای انگلیکن روزهای خاصی به‌عنوان روزه و پرهیز بیان شده است. ما از زمان جدایی این کلیسا از کلیسای کاتولیک، مقرراتی برای نوع پرهیز در این روزها و همچنین هیچ تمایزی میان روزه و پرهیز وجود نداشته است. روزهای روزه و پرهیز در این کلیسا، تا قرن نوزدهم زمانی که انگلیکن‌ها تحت تأثیر جنبش ارتدوکس بودند، کاهش یافت. اما پس از آن بار دیگر این روزها را جدی تلقی کردند. انگلیکن‌ها پیش از روزهای تولد مسیح، تطهیر مریم مقدس، عید بشارت باکره مقدس، عید پاک، پنطیکاست، سنت ماتس، سنت جان، سنت پیتر، سنت جیمز، سنت بارتالامه، سنت متیو، سنت سیمون و سنت جود، سنت اندرو، سنت توماس به نیایش و پرهیز دعوت شده‌اند (علم‌خواه، ۱۳۹۲).

مقام پاپ

مطابق اعتقاد کاتولیک‌ها، کسی که به‌عنوان پاپ انتخاب می‌شود، ادامه‌دهنده راه پطروس، نخستین فردی است که مسیح برای هدایت کلیسا معرفی کرده است. فردی که در این جایگاه قرار می‌گیرد، نام جدیدی، برگرفته از نام یکی از قدیسان برخوردار می‌شود. اما بر روایت آفرینش در انجیل، آموزه‌های کلیسای کاتولیک نظریه تکامل تر میکال آنر برگرفته است. در مورد پیدایش انسان، که

یکی از اعتقادات بنیادین مسیحیت است. قرائت کلیسای کاتولیک روم از تثلیث، چنین تعریف شده است: «تثلیث» اعتراف به گناهان و «طلب استغفار» نزد کشیش در کلیسای کاتولیک، آئینی مقدس شمرده می‌شود.

اعتقاد به تثلیث کشیشان و ممنوعیت انتصاب زنان به‌عنوان کشیش، ازجمله آموزه‌های بنیادین کلیسای کاتولیک عنوان می‌شوند.

کلیسای کاتولیک باور به «قدیس» دارد. برای قدیس معرفی کردن فردی در کلیسای کاتولیک، باید معجزه‌ای از فرد موردنظر، به کلیسا اثبات شود، آموزه‌های کلیسای کاتولیک نظریه تکامل در مورد پیدایش انسان را رد نمی‌کند، اما بر روایت آفرینش در انجیل است، تأکید دارد.

مناصب روحانی

در کلیسای ارتدوکس، سه منصب روحانی وجود دارد که عبارتند از: شماس، کشیش و اسقف. آنان که به مراتب بالاتر می‌رسند و عناوینی از قبیل متروپولیتن استفاده می‌کنند. متروپولیتن، پیشوای دینی یک منطقه است؛ در کلیسای ارتدوکس، گاه در مورد شماس از کلمه دیکون استفاده می‌شود (نو، ۱۳۷۶، ص ۷۸؛ C.f. Cunningham, 2009, p.126).

در کلیسای ارتدوکس سراسقف سرپرست یک کلیسا است. متروپولیتن‌ها و سراسقف‌ها را هیأت حاکمه کلیسا انتخاب می‌کند و در مصادر امور می‌گمارد. البته در این کلیسا، دو منصب دیگر نیز وجود دارد که عبارتند از: کمک شماس و قاری. این دو منصب، در مرتبه‌های بعدی قرار دارند. نمی‌توان آنان را جزء روحانیان کلیسای ارتدوکس به‌شمار آورد. در گذشته‌های دورتر، در این کلیسا رتبه‌های دیگری نیز وجود داشته‌اند. رتبه‌هایی که امروزه در کلیسای ارتدوکس وجود ندارند. ازجمله این مناصب، می‌توان به متصدی اخراج ارواح خبیث اشاره نمود.

کلیسای کاتولیک: در این کلیسا سه رتبه اصلی اسقفی، کشیشی و شماسی وجود دارد. در کلیسای کاتولیک، گاه به‌جای واژه شماس از کلمه دیکون استفاده می‌شود.

البته شورای ترنت، هفت رتبه روحانی را مشخص نموده است. این رتبه‌ها عبارتند از: کشیش (مقام اسقفی نیز ذیل همین عنوان قرار داد)، شماس، کمک شماس، دربان، قاری، خادم کلیسا و متصدی راندن ارواح پلید. در این کلیسا، مقام اسقفی، بالاترین درجه روحانی به‌شمار می‌آید. بنابراین، عناوینی مانند اسقف اعظم، کاردینال و پاپ، اگرچه از نظر قانونی دارای حوزه اختیارات وسیع‌تری هستند، اما برای رسیدن به این مقامات، نیازی به تقدیس خاصی ندارند (مولند، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰).

در کلیسای پرزبیتری، شیوخ، عهده‌دار سرپرستی کلیسا هستند و شماس‌ها، عهده‌دار وظایفی مانند توزیع صدقات هستند(لئو؛ ۱۳۷۶ ص ۱۴۰-۱۴۱).

ازدواج مقامات روحانی

تجرد برای شماس‌ها، کشیش‌ها و اسقف‌های کاتولیک رومی، امری اجباری است، حال آنکه در آیین ارتدوکس، فقط اسقف‌ها باید مجرد باشند(همان، ص ۶۸). در کلیسای کاتولیک، کمک شماس، شماس، کشیش و رده‌های بالاتر از آن، حق ازدواج ندارند(مولند، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰).

قانون کلیسای ارتدوکس در مورد ازدواج مقامات دینی تا حدودی متفاوت با دیدگاه کلیسای کاتولیک است. از نگاه کلیسای ارتدوکس، شماس و کشیش اگر پیش از انتصاب، ازدواج کرده باشند، می‌توانند به زندگی با همسر خود ادامه دهند. اما کسانی که به این مقامات گماشته می‌شوند، اگر مجرد باشند دیگر حق ازدواج نخواهند داشت. در این کلیسا، اسقف‌ها همواره باید مجرد باشند و انتصاب افراد متأهل به مقام اسقفی ممنوع است(لئو، ۱۳۷۶، ص ۸۰؛ مولند، ۱۳۸۱، ص ۶۱).

کلیساهای مختلف پروتستان نیز در این زمینه با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند. اما در بسیاری از این کلیساهای، منعی برای ازدواج مقامات روحانی وجود ندارد(رک: لئو، ۱۳۷۶، ص ۳۰ و ۳۵).

کلیسای کاتولیک به شدت با انتصاب زنان به هرگونه مقام کلیسایی مخالفت می‌کنند. این کلیسای در سال ۱۹۹۵ و در زمانی که بحث‌ها بر سر انتصاب زنان شدت گرفته بود، اعلام داشت که دیدگاه این کلیسا در مورد عدم جواز انتصاب زنان از خطا مصون است و از این رو، گفت‌وگوی بیشتر در این مورد را ممنوع اعلام کرد(وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۵۲۱).

زهبان این کلیسا با اشاره به سنت حضرت مسیح، اظهار می‌دارند که آن حضرت از هیچ زنی برای عضویت در دوازده شاگرد خود دعوت نکرد. این همان چیزی است که پاپ/اینوسنت سوم، در آغاز قرن سیزدهم بارها اظهار کرده است: «گرچه مریم باکره مقدس در عظمت و برتری از همه رسولان بالاتر بود، اما خداوند کلیدهای ملکوت آسمان را نه به او بلکه به آنان سپرد» (همان، ص ۵۲۳).

البته آن‌گونه که از منابع تاریخی برمی‌آید، انتصاب زنان به مقام شماسی، تا قرن ششم در این کلیسا وجود داشته است، اما این رسم در دو شورای اپایون(Epaon) و اورلئان(Orleans) طرد گردید. از این زمان به بعد، در کلیسای کاتولیک، هیچ منصب روحانی‌ای به زنان واگذار نگردید (John Anthony, 2008, p. 327).

سایر کلیساهای (چند کلیسای خاص)، اگرچه دستگذاری را به‌عنوان شعار دینی نمی‌شناسند، اما انتصاب به مقامات روحانی را به‌عنوان یک قانون کلیسایی پذیرا هستند. در این کلیساهای نیز سلسله‌مراتب روحانی وجود دارد. برای نمونه، در کلیساهای انگلیکن، این کلیسا در آمریکا و اسکاتلند با عنوان اپیسکوپال شناخته می‌شود. در کلیساهای اصلاحی (کالونی) و کانگریگیشن، چهار مقام دینی وجود دارد. این مقام‌ها عبارتند از: پیشوای روحانی، معلمان، شیوخ و شماس‌ها(همان، ص ۲۳۸؛ لئو، ۱۳۷۶، ص ۳۰ و ۳۵).

در کلیسای پرزبیتری، عناوینی نظیر اسقفی و کشیشی جایگاهی ندارند. در این کلیسا، بالاترین رتبه روحانی از آن شیوخ است که این عنوان، در دو شکل شیخ مربی یا شبان (خادم) و شیخ حاکم وجود دارد. البته در این کلیسا، رتبه شماسی نیز وجود دارد (لئو، ۱۳۷۶ ص ۱۴۰-۱۴۱).

همین‌طور در کلیسای لوتری، هرچند رتبه‌هایی مانند اسقفی و کشیشی (شبابی) را پذیرفته‌اند، اما به‌طور کلی در این کلیسا اهمیت چندانی به مقامات روحانی داده نمی‌شود، برخی مسیحیان مانند بپتیستها و کویکرها به‌طور کلی فاقد مراتب روحانی هستند و به همین دلیل در این کلیساهای، انتصاب به مقامات روحانی، فاقد مفهوم است (همان، ص ۱۰۰ و ۳۵۵).

تقسیم وظایف

در کلیسای کاتولیک، تأیید و انتصاب، کار اسقف است، اما عشای ربانی، بخشش گناه و تدهین نهایی می‌تواند توسط کشیش‌ها انجام شود. شماس‌ها نیز باید کشیش‌ها را در انجام شعائر دینی، یاری نمایند. در کلیسای اسقفی نیز انتصاب بر عهده اسقف‌هاست. کشیش‌ها شعائر را انجام می‌دهند و شماس‌ها کمک‌کار کشیش‌ها می‌باشند(همان، ص ۳۰).

در کلیسای انگلیکن، انتصاب به مقامات روحانی در حوزه اختیارات اسقف‌هاست. کشیش‌ها عهده‌دار انجام شعائر و ایراد پند و موعظه در کلیسا هستند. برگزاری دعای صبح و شام، آمرزش افراد، خواندن رساله و اعمالی از این دست، از وظایف شماس به‌شمار می‌آید (مولند، ۱۳۸۱، ص ۲۳۸).

در کلیسای اصلاحی، اجرای شعائر و انجام وعظ، بر عهده کشیش است. آنها عهده‌دار تعلیم اصول دینی هستند. شیوخ در امور روحانی به کشیش‌ها کمک می‌رسانند و شماس‌ها، وظیفه مراقبت و دستگیری از فقرا و نیازمندان را بر عهده دارند(همان، ص ۳۵۰-۳۵۱ و ۳۹۲).

در کلیسای کانگریگیشنال، کشیش‌ها عهده‌دار انجام شعائر هستند و شماس‌ها کشیشان را در برگزاری شعائر کمک می‌کنند.

کلیسای شرق نیز در مسئله انتصاب زنان بر همین سنت قدیمی پایبند است و با درخواست‌هایی که در این مورد از کلیساهای ارتدوکس شده است، مخالفت می‌کند (وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۵۲۲).

لازم به یادآوری است که گماشتن زنان به مقام شماسی در این کلیسا تا قرن دوازدهم رایج بوده است، اما از این زمان به بعد، تقدیس زنان و گماردن آنان به مقام شماسی، از این کلیسای رخت بر بست (John Anthony, 2008, p. 327).

از نگاه برخی مسیحیان، منع انتصاب زنان به مقامات روحانی هرگز قابل پذیرش نیست. هانس کونگ، دانشمند و الهی دان بزرگ معاصر بر آن است که زنان نیز به‌عنوان رسول حضرت مسیح انجام وظیفه می‌نموده‌اند. از نگاه وی، تنها در زمان نگارش انجیل لوقا بود که عنوان رسول به‌صورت مشخص در مورد دوازده شاگرد خاص به کار رفت، اما در زمان مسیح، تفاوتی میان مردان و زنان نبوده و آنان نیز عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند (کونگ، ۱۳۸۶، ص ۱۹-۲۰).

البته این دیدگاه اختصاصی به کونگ ندارد. امروزه بسیاری از کلیساهای انگلستان زنان را نیز همانند مردان، به مقامات روحانی منصوب می‌کنند (براتل، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰، ۱۵۶ و ۳۵۶).

بیانیه سی و نه ماده‌ای دینی در سال ۱۵۶۳ تصویب شده و اظهارات معین تاریخی دکتربین انگلیسی در ارتباط با ناسازگاری اصلاح‌گرایی انگلیسی، به‌ویژه در ارتباط با دکتربین یا نظریه کالوینست (Calvinist) و رویه‌های کلیسای کاتولیک، که منجر به ایجاد دکتربین کلیسای انگلیس گردید، می‌باشد. این عنوان معمولاً به‌صورت «بیانیه سی و نه ماده‌ای» مطرح می‌شود.

کلیسای انگلستان در صدد یافتن موقعیت دکتربینی خود در برابر کلیسای کاتولیک رم و پروتستان‌های قاره اروپا بود. مجموعه‌ای از اسناد معین در طی یک دوره سی ساله به‌عنوان وضعیت سیاسی و دکتربینی تغییر یافته از زمان تکفیر هنری هشتم در ۱۵۳۳ تا تکفیر الیزابت اول در سال ۱۵۷۰ نوشته شده و اصلاح گردیدند.

مقام اسقفی

این منصب تنها در مذهب کاتولیک و ارتدوکس معتبر است. البته برخی کلیساهای پروتستان همچون کلیسای لوتری و متودیسیت‌ها مناصبی با وظایف مشابه مقام اسقف دارند، ولی به‌طور کل کلیسای پروتستان تنها دو مقام کشیش و شماس را قبول دارد (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹). بر اساس عقیده این دو کلیسا، پس از صعود عیسی به آسمان، رسولان مسئولیت جانشینی عیسی را به عهده گرفتند که در رأس آنان پطرس رسول است. رسولان در اواخر عمر خود، کسانی را به‌عنوان جانشینان خود میان امت

مسیحی باقی گذاردند. این جانشینان در میان کلیساهایی که از یهودیت نشأت گرفته بودند، کشیش نام گرفتند (اول تیموتائوس ۴: ۱۴؛ تیطس ۱: ۵).

در مقابل کلیساهایی که در دنیای یونانی زبان تأسیس گردید، به این اشخاص، اسقف می‌گفتند (فیلیپان ۱: ۱؛ اول تیموتائوس ۳: ۱-۷). فرق مسیحت معتقدند که این منصب ریشه در تعالیم پولس دارد. پولس در اولین رساله خود، خطاب به تیموتائوس چنین نوشت: «زنهار از آن کرامتی که در تو است که به‌وسیله نبوت با نهادن دست‌های کشیشان به تو داده شده است بی‌اعتنائی منما» (اول تیموتائوس ۴: ۱۴). او همچنین مأموریت دست‌گذاری پیران (کشیشان) را بر عهده تیموتائوس گذاشته، و می‌گوید: «دست‌ها به زودی بر هیچ‌کس مگذار» (تیموتائوس ۵: ۲۲) و نیز می‌گوید که تعلیمات رسولان را به آنها بسپارد: «آنچه به شهود بسیار از من شنیدی، بر مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند» (تیموتائوس ۲: ۲).

از این رو، این دو واژه در ابتدا به یک معنی به کار می‌رفت و عهد جدید نیز در مورد اطلاق این دو عنوان به یک خدمت صراحت دارد (اعمال ۲۰: ۱۷؛ تیطس ۱: ۵-۷)، ولی بسیار زود اختیارات و وظایف اسقفان از کشیشان، که همکاران او محسوب می‌شدند، جدا گشت.

تفکیک مقامات کلیسایی

اولین کسی که به تفکیک میان مقامات کلیسایی اشاره کرد که می‌بایست مقامات کلیسایی دارای ترتیب باشد کلمنت روم است. وی در رساله‌ای که از کلیسای روم خطاب به قرنتس، به نگارش در آورده است، بر اهمیت نظم در کلیسا تأکید بسیاری دارد. وی همچنین بر رعایت ترتیب صحیح جانشینی در خدمت مسیح تأکید می‌کند. خدا مسیح را فرستاد و او نیز رسولان را تعیین کرد و آنان نیز به نوبه خود اسقفان و شماسان را تعیین کردند (لین، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

کلیسای اسقفی غیرسستی (مانند کلیساهای متدیست‌ها، ناصری و بعضی از لوتری‌ها و کلیساهای انجیلی)، اهمیت جانشینی رسولان را منکرند، اما اسقف‌ها را از زمان عهد جدید به بعد شخصیت‌های تاریخی مهمی در کلیساهای مسیحی می‌دانسته‌اند. سایر گروه‌های مسیحی مانند آمیش‌ها را اسقف‌هایی اداره می‌کنند که کار آنان صرفاً اجرایی است (جوویور، ۱۳۸۱، ص ۴۵۹).

کلیسای پروتستان و کاتولیک با انتصاب بانوان به مقام کشیشی، و بالطبع اسقفی مخالفت دارند. اما در بین کلیساهای انگلیکن، پیروان کلیساهای اسقفی آن را مجاز می‌دانند. در یازده فوریه ۱۹۸۹، فصل جدیدی در مبارزات فمینیستی گشوده شد. در این تاریخ، مادر روحانی باربارا

عمل، به شخص قدرت انجام دادن وظایف کلیسایی داده می‌شود. وی پس از آن، قدرت تیشیر و تندیز و اجرای مراسم کلیسایی را می‌یابد (همان، ص ۳۲۲). اگرچه کلیسای پروتستان این آئین را قبول ندارد و انتخاب مقامات کلیسایی را به عهده مردم می‌داند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹).

پس از اینکه شخص وارد مدارس الهیاتی مسیحیت شد، پس از گذراندن مرحله دانشجویی، این امکان را پیدا می‌کند که در مراسم مذهبی به کشیش‌ها کمک کند. در این مرحله، به او «شماس» می‌گویند. پس از این مرحله و بعد از گذراندن دوره‌های خاص، توسط مراکز آموزشی که در آن تحصیل می‌کنند و یا توسط کلیسا و دبیران مربوطه، خود به حوزه کلیسایی معرفی می‌شوند و درجه کشیشی را از دست اسقف اعظم و یا اسقف دریافت می‌کنند. از میان کشیش‌ها، افرادی که واجد شرایط خاصی باشند، پس از طی دوره‌های علمی و خدمت در کلیسا به مقام اسقفی نائل می‌شوند و به‌عنوان مسئول کلیسا معرفی می‌شوند. سن قانونی برای پذیرفته شدن در رتبه‌های عالی روحانی، به ترتیب عبارتند از: بیست و دو سال برای معاونت شماسی، بیست و سه سال برای شماسی، بیست و چهار سال برای کشیشی و سی سال برای مقام اسقفی (مولند، ۱۳۳۸، ص ۱۲۰).

در کشورهایی که بر اساس معاهده دو جانبه، حق معرفی اسقف منطقه به کلیسای کاتولیکی و اتیکان واگذار شده است، اشخاص واجد شرایط توسط سراسقف حوزه خلیفه‌گری خود به دبیرخانه و اتیکان معرفی می‌شوند و پس از بررسی صلاحیت آنان توسط پاپ، به مقام اسقفی منصوب می‌شوند. اما کشورهایی که دارای چنین معاهده‌ای با واتیکان نیستند، اسقف‌های آن منطقه به وسیله مجمع اسقف‌ها و یا مجمع کلیسای شرقی تعیین می‌گردند. در تعیین اسقف‌های هر منطقه از سوی واتیکان، غالباً شرایط و مقتضیات منطقه و ویژگی‌های فردی و سیاست‌های خاص واتیکان مورد توجه قرار می‌گیرد (عبدخدائی، ۱۳۸۵، ص ۷۳۷۵).

تشکیلات اسقفی

کلیسای کاتولیک روم معتقد است که پطرس حواری، توسط عیسی مأموریت یافته بود و او نیز نخستین اسقف شهر رم را نصب کرد و این سلسله تا امروز ادامه پیدا کرده است. در واقع پاپ رم، رهبر مسیحیان جهان است و از آنجاکه انتصاب او با واسطه به عیسی مسیح می‌رسد، سخنش برای همه حجیت دارد. ولی در نظام کلیسای ارتدوکس شرقی، اسقف‌هایی خاص که سلسله انتصابشان به یکی از حواریون (اعم از پطرس و دیگران) برسد، سخنانش حجیت دارد. تنها تفاوت این نظام با نظام

هاریس (Barbara Harris)، که کشیش کلیسای اسقفی بود، به اسقفی کلیسایش در اسقف نشین ماساچوست (Diocese of Massachusetts) منصوب شد (زیبایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲، ۳۲۳).

سلسله مراتب کلیسایی

پس از مرگ پولس، مرتبه‌ای از نهادسازی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. از نظر تاریخی، اثبات اینکه اسقف‌ها جانشینان بلافضل و انحصاری رسولان هستند، ممکن نیست؛ چراکه در مسیحیت اولیه، یک زنجیره متصل از آیین دست‌گذاری از رسولان تا اسقف‌های امروزی را نمی‌توان یافت.

از نظر تاریخی در مسیحیت اولیه، پس از دوره رسولی، اسقف‌ها و کشیشان محلی به همراه معلمان و سایر مقامات کلیسایی به‌عنوان تنها رهبران جوامع مسیحی، رسمیت یافتند. در مرحله بعد، نظام حاکمیت اسقفی با ریاست تنها یک اسقف، به نحو روزافزونی، تکثر اسقف‌ها و کشیش‌ها در یک شهر و سپس در سراسر نواحی کلیسا را از بین برد (میلر، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰).

با ابتکار اسقف ایگناتیوس، نظامی متشکل از سه مقام به وجود آمد که در سراسر امپراتوری معمول گشت: اسقف، کشیش و شماس. اسقف سمت ریاست بر دو مقام دیگر را بر عهده دارد. به نظر وی، بدون این سلسله مراتب سه‌گانه کلیسایی وجود نخواهد داشت (کرنز، ۲۰۰۸، ص ۱۷۶). از نظر وی همچنان‌که عیسی مسیح از خدا اطاعت می‌کرد، اطاعت از فرامین اسقف نیز لازم است. در حقیقت، اسقف محور آئین‌های کلیسا به‌شمار می‌آورد (لین، ۱۳۸۶، ص ۱۴).

بنابراین، تشکیلات کلیسای کشیشی اسقفی، مبتنی بر هیچ نوع نهادی، که خود عیسی بنیان نهاده باشد، نیست و به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را مطلقاً ذاتی مسیحیت دانست که مستند به سخنان عیسی مسیح باشد. در عین حال، این مناصب بنا به دلایل خود به‌صورت قاعده و هنجاری در کلیسای کاتولیک اولیه پدیدار شد (کونگ، ۱۳۸۶، ص ۶۸).

در دو کلیسای کاتولیک و ارتدوکس، شخصی که می‌خواهد یکی از وظایف کلیسایی را بر عهده بگیرد، باید با دست‌گذاری مقام بالاتر، به این مقام منصوب شود. این آئین خود یکی از هفت راز کلیسا است. انتصاب مقامات روحانی از مهم‌ترین شعائر به‌شمار می‌رود؛ زیرا اکثر شعائر را شخص کشیش می‌تواند انجام دهد. در حالی که، مراسم دست‌گذاری فقط باید به دست اسقف صورت بگیرد.

برای تقدیس، سه نفر اسقف لازم است. در این عمل، روح‌القدس به شخص موردنظر اعطا می‌گردد و شخص مورد تقدیس قرار می‌گیرد. تقدیس انتخاب یک شخص برای وظایف مقدس است. در این

در مسلک کلیسای انگلیس، اسقف‌ها دارای مقام و مرتبه متفاوتی هستند که طبق سیستم جانشینی حواریون است. این سنت، یکی از نشانه‌های مذهب کاتولیک است. جدا از اسقف‌ها، دو مقام رسمی دیگر نیز وجود دارند: شماس (خادم کلیسا) و کشیش. بر اثر به وجود آمدن بدعت‌ها، در طول زمان پس از نیمه دوم قرن بیستم، زنان می‌توانند در تمام استان‌ها در مقام شماس منصوب شوند. همچنین در بعضی از نواحی می‌توانند کشیش شوند و حتی در معدودی از استان‌ها می‌توانند به مقام اسقف اعظم نائل شوند.

حاکمیت در اجتماع کلیسای انگلیس از نوع شورای کلیسایی است که از سه مجلس عوام، کشیش‌ها و اسقف‌ها تشکیل می‌شود. شوراها کلیسایی در سطح استان و سطح ملی و ناحیه‌ای، حوزه قدرت و اختیارات متفاوتی دارند که بخصوص به قانون شرع و قانون اساسی آنها بستگی دارد. اصول و اعتقادات کلیسای انگلیس شکل حکومت جمعی و یکپارچه ندارد و به صورت نواحی اسقف‌نشین اداره می‌شود که کوچک‌ترین بخش از حوزه قدرت در کلیسا به‌شمار می‌آید (C.f: Williams, 1950).

اسقف اعظم کلیسای جامع کانتربری

اسقف اعظم کلیسای کانتربری، مقام بالاتری نسبت به کشیش‌های اعظم دیگر در جامعه کلیسای انگلیس دارد. برای آنکه استان‌هایی به‌عنوان بخشی از این جامعه در نظر گرفته شوند، می‌بایست همکاری کاملی با اسقف اعظم کانتربری داشته باشند. اسقف اعظم، بالاترین مقام رسمی در کلیسا می‌باشد، اما قدرت و اختیارات مستقیمی در ارتباط با کلیساهای خارج از انگلستان ندارد. اسقف اعظم کلیسای کانتربری، به‌عنوان پیشوای روحانی، دارای حوزه اختیارات اخلاقی مشخصی است و حق انتخاب در کلیساهایی که در قلمرو او هستند را دارد (Zahl, Douglas, 2005, p. 133).

اسقف‌هایی که شایستگی کامل مقام کشیش مسیحی را دارند، جانشینان حواریون می‌باشند. کشیش‌های ارشد، اسقف‌های اعظم و مراجع روحانی، همگی اسقف بوده، اعضای قلمرو اسقف‌نشین می‌باشند که از طریق جانشینی حواریون، اختیارات قانونی و شرعی خود را دارند. اصالت آن به دوازده حواری برمی‌گردد که از یاران مسیح بوده‌اند.

کشیش‌ها و شماس‌ها، دستیار اسقف‌ها هستند. اغلب مراجع روحانی انتصابی در کلیسای انگلیس، کشیش بوده معمولاً در ناحیه خاص در قلمرو اسقف عمل می‌کنند. کشیش‌ها مسئول زندگی معنوی

کاتولیکی در این است که کلیسای ارتدوکس رهبری پاپ و اسقف رم را به‌طور کل قبول ندارد و او را مساوی با سایر اسقف‌های منصوب می‌داند؛ زیرا این نظام تفاوتی میان پطرس و سایر حواریون نمی‌بیند (سلیمانی‌اردستانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶).

با گذشت زمان نیاز به تنظیم کلیساها بر اساس نظام مدیریتی جامع احساس شد. از این رو، اسقف در رأس این هرم مدیریتی قرار گرفت و در هر شهری که جماعتی مسیحی در آن قرار دارد، اسقف آن شهر، عنوان ریاست آن جامعه ایمانی را دارد، در حقیقت، اسقف به ریاست کلیسای منطقه خود منصوب می‌شود و تمام کارهای مربوط به آن کلیسا زیر نظر او انجام می‌شود. دو کلیسای کاتولیک و ارتدوکس می‌گویند که آیین‌های کلیسایی (همچون عشا ربانی و غسل تعمید)، باید توسط اسقف یا کشیش منصوب از سوی او اجرا شود. در مقابل کلیسای پروتستان معتقد است: این امور را همه مؤمنان می‌توانند اجرا کنند و وقتی یکی به اجرای آن همت گماشت، از عهده بقیه ساقط می‌شود (مدبک، جمیل و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۸۲-۸۳).

در اجرای مراسم کلیسا هیئتی از مشایخ (Presbyters) یا همان کشیشان اسقف را یاری می‌کنند (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۳۷).

اصول حاکمیت

تصور غلطی وجود دارد مبنی بر اینکه پادشاه انگلیس حاکم مطلق بر کلیسای انگلیس نیست و نقشی در کلیساهای ناحیه یا بخش خارج از انگلیس ندارد. در واقع، نقش شاه در کلیسای انگلیس فقط محدود به انتصاب اسقف‌ها، شامل اسقف اعظم کلیسای جامع کانتربری می‌شود. حتی این نقش نیز کم‌رنگ می‌باشد؛ چراکه کلیسا فهرست کوتاهی از افراد نامزد شده را به دولت ارائه می‌دهد تا از میان آنها، افرادی انتخاب شوند. شاه هیچ نقش و حق قانونی در کلیساهای انگلیسی در نقاط دیگر جهان ندارد، با این حال، در چندین کشوری که جزء مستعمرات اوست، کتاب‌های دعا را مشخص می‌کند.

تمامی سی‌ونه ناحیه از اجتماع پیروان کلیسای انگلیس، مستقل و خودمختار هستند. هر کدام اسقف اعظم و ساختار حاکمیت خاص خود را دارند. این نواحی و استان‌ها به شکل کلیساهای ملی (مثل: کانادا، اوگاندا، ژاپن) و یا مجموعه‌ای از ملت‌ها (مثل: غرب، آفریقای مرکزی یا آسیایی)، یا به صورت مناطق جغرافیایی و غیره هستند. در این استان‌ها، بخش‌های فرعی نیز وجود دارد که تحت قدرت و حاکمیت اسقف اعظم، کلان‌شهر هستند. تمام استان‌های جامعه کلیسای انگلیسی از نواحی اسقف‌نشین تشکیل می‌شوند که هر کدام، تحت قدرت و طبق دستورات اسقف عمل می‌کنند.

بخش‌هایی که به زنان اجازه کشیش شدن می‌دهند، بیشتر اجازه خدمت در کلیسا در مقام شماس را دارند. تأثیر این کار، امکان ایجاد قلمرو شماس برای زنان طولانی‌تر از مردان است که مدت کوتاهی پس از شماس شدن، کشیش می‌شوند. شماس‌ها حق انجام مراسم غسل تعمید داشته در برخی قلمروهای اسقف، اجازه برگزاری مراسم ازدواج را طبق دستورالعمل کشیش یا اسقف اخذ می‌کنند. در مواقعی نیز مراسم دعای خیر و برکت را در کلیساهایی که این مراسم آئینی را برگزار می‌کنند به‌جای می‌آورند (The Christian Faith: Ch 63- Ordination).

عوام

همه اعضای غسل تعمیدشده کلیسا، مؤمن مسیحی خوانده می‌شوند که مقام یکسانی دارند. افرادی که مقام انتصابی ندارند هم دارای مقام روحانی رسمی بوده، ممکن است به‌صورت تمام‌وقت و در تمام طول عمرشان در کلیسا خدمت نمایند، مانند: قاریان کلیسا، رئیس و نگهبان کلیسا، متصدی نشان دادن محل جلوس مردم در کلیسا، خادمین کلیسا و افرادی که از مراسم عشای ربانی بازدید می‌کنند. برخی در کلیسا مسئول آماده کردن محراب و شمع‌ها، گل‌ها و غیره بوده، یا مسئول آماده ساختن گروه آوازخوانی مذهبی و راهنما می‌شوند. البته افرادی نیز در شورای کلیسایی که هیئت حاکم بر ناحیه‌ای است عضو می‌شوند (Williams, 1950, p. 37).

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، کلیسای کاتولیک رم با قدمت ۲۰۰۰ ساله‌ای که دارد، وارث تمامی آداب و شعائر دینی مسیحیت است. این آداب در طول سالیان دراز دستخوش تحولات متعدد گردیده است. عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از جمله عواملی است که این کلیسا را دچار تحول و دگرگونی کرده است و به‌تبع آن، کلیساهای زیرمجموعه شکل‌گیری‌های تازه‌ای پیدا کرده است. از جمله این کلیساهای انگلیکن است که با روشی متناسب با روحیات نسل خود شکل گرفته است. اگرچه آداب اصلی آن برگرفته از اصول کلیسای کاتولیک است، اما موارد چشمگیری در رسومات دینی آن به دیده می‌شود که برگرفته از تحولات سیاسیونی چون لوتر، کالوین و اصلاح‌طلبانی است که تأکید زیادی بر اجرای مراسم و آداب دینی دارند و افرادی هم که به مناصب بالای کلیسایی می‌رسند، حتماً باید آگاه و مسلط به مقام خود باشند. کشیش‌ها در هر جایگاهی که هستند، تقدس و رتبه خود را مدنظر می‌گیرند و اگر تلاشی

بخش یا ناحیه‌ای هستند که کلیسا در آن واقع شده است که کشیش بخش یا قائم‌مقام کشیش بخش نامیده می‌شوند. معاون کشیش بخش، واژه‌ای است که برای کشیش یا شماس به‌کار برده می‌شود که او دستیار کشیش بخش است. کشیش‌های غیربخش از طریق مشاغل دیگر امرار معاش می‌کنند و اغلب در مؤسسات آموزشی یا سازمان‌های خیریه استخدام می‌شوند. کشیش‌ها همچنین می‌توانند مسئول امور مذهبی بیمارستان‌ها، مدارس، زندان‌ها و یا نیروهای مسلح باشند.

شماس اعظم، کشیش یا شماسی است که مسئول اداره کردن قلمرو شماس بوده غالباً به بخش‌های فرعی از قلمرو اسقف‌نشین گفته می‌شود. شماس اعظم، نماینده اسقف در قلمرو شماس است. در کلیسای انگلیس، این منصب به مدت حداقل شش سال به افراد در مقام کشیش داده می‌شود. البته در بخش‌هایی از اجتماع کلیسای انگلیس، شماس‌ها نیز به این مقام منصوب می‌گردند و در مناطقی، زنان نمی‌توانند کشیش یا اسقف باشند، اما می‌توانند در مقام شماسی قرار گیرند. شماس اعظم، بالاترین مقام رسمی است که زنان می‌توانند به آن نائل شوند. رئیس کلیسا، کشیشی است که کشیش اصلی کلیسای جامع یا کلیسای کوچک است. اگر کلیسای جامع یا کلیسای کوچک دارای ناحیه یا بخش خاص خود باشند، رئیس کلیسا، معمولاً کشیش بخش نیز خواهد بود (C.f. Williams, 1950).

با وجود این، در کلیسای ولز، اکثر کلیساهای جامع، کلیساهای بخش هستند و رئیس این کلیساهای کشیش بخش به‌شماره می‌آیند. جامعه کلیسای انگلیس مقام‌های انتصابی در کلیسای کاتولیک رومی و ارتدوکس شرقی را به رسمیت می‌شناسد. مقام‌های انتصابی در خارج از این جامعه هم توسط کلیساهای کاتولیک قدیمی و کلیساهای کاتولیک مستقل به رسمیت شناخته می‌شوند (Williams, 1950, 36).

قلمرو شماس (خادم کلیسا)

در کلیساهای انگلیسی، بیشتر شماس‌ها همکاری مستقیمی با کشیش‌ها در داخل و خارج از کلیسا و در اموری مثل کمک‌رسانی به فقرا، بیماران، گرسنگان و زندانیان دارند. بر خلاف شماس‌ها، در ارتدوکس و کاتولیک رومی، که قبل از انتصاب به این مقام می‌توانند متاهل باشند، در کلیسای انگلیس، شماس‌ها، قبل و بعد از منصوب شدن به این مقام می‌توانند ازدواج کنند. بیشتر شماس‌ها برای کشیش شدن خود را آماده می‌کنند و معمولاً فقط یک سال در مقام شماس می‌مانند و بعد در مقام کشیش به کارشان ادامه می‌دهند.

با این حال، بعضی از شماس‌ها همیشه در همین منصب باقی می‌مانند. در بسیاری از نواحی و بخش‌های کلیسای انگلیسی، زنان و مردان می‌توانند در مقام شماس در کلیسا خدمت نمایند. در

منابع

- برانتل، جورج (۱۳۸۲). *آیین کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تبلیغات ادیان و مذاهب.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۹). *آشنایی با ادیان بزرگ*، چ سیزدهم، تهران، سمت.
- جوویور، مری (۱۳۸۱). *درآمدی بر مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات تحقیقات ادیان و مذاهب.
- دورانت، اریل، ویل، تاریخ تمدن، ۱۳۸۷ ترجمه فریدون بورهای، ویراستار محمود مصاحب و نادر هدی و پرویز مرزبان، جلد ششم زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲). *مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای*، تهران، سروش.
- سلیمانی اردستانی عبدالرحیم (۱۳۸۲). *درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت*، قم، طه.
- عبدخدائی، مجتبی (۱۳۸۵). *واتیکان کلیسای جهانی کاتولیک*، چ دوم، تهران، ایران انتشارات بین المللی الهدی.
- علم‌خواه (۱۳۹۲). «سلسله مراتب کلیسای کاتولیک رم» هفت اقلیم، پیش شماره ۲ (www.eqlim.ir)
- کرنز، ارل ای (۲۰۰۸). *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ*، ترجمه آرمان رشدی انگلستان، انتشارات ایلام.
- کونگ، هانس (۱۳۸۶). *متفکران بزرگ مسیحی*، ترجمه گروه مترجمان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- لین، تونی (۱۳۸۶). *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، چ سوم، تهران، فرزانه روز.
- لئو، روستن (۱۳۷۶). *فرهنگ تحلیلی مذاهب امریکایی*، ترجمه محمد بقایی، تهران، حکمت.
- مدبک، جمیل و دیگران (۲۰۰۰م). *موسسه‌الادیان فی العالم المسیحیه*، تهران، انتشارات بین المللی، دارکریس انترناشنیونال بیروت، لبنان.
- مک‌کراث، الیستر (۱۳۸۷). *مقدمه ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی*، ترجمه بهروز حدادی، چ دوم، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مولند، اینار (۱۳۸۱). *جهان مسیحیت*، ترجمه محمداقراانصاری، مسیح مهاجری، تهران، امیر کبیر.
- میلر (۱۳۸۲). *تاریخ تاریخ کلیسای قدیم امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، تهران، اساطیر.
- وان وورست، رابرت ای (۱۳۸۴). *مسیحیت از لایه لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ویلسون برایان (۱۳۸۱). *دین مسیح*، ترجمه حسن افشار، تهران، مرکز.
- Cunningham, Mary B. and Theokritoff, Elizabeth (eds.) (2009), *The 4-Cambridge companion to Orthodox Christian theology*, Cambridge, 2nd ed.
- Paul Zahl, Ian T.Douglas, Paul F.M Zahl (2005), *jan nunleyUnderstanding the Windor Repoort: Two Leaders in the American Church Speak Acrooss the Divide*, Church Publishing, Inc.
- The Christian Faith*: Ch 63-Ordination, 2005 (2) As a Sacrament.
- Williams, Thomas J (1950), *priscilla Lydia Sellon*, London:SPCK.

برای ارتقا خود انجام می‌دهند، تنها با خدمت رسانی خالصانه خود بوده است، مردم مؤمنی که هر روزه به کلیسا می‌روند، احترام زیادی برای این خادمین قائل هستند و با موعظه‌های این کشیشان، زندگی خود را تعالی بخشیده‌اند. در نهایت، قوانین تشریفاتی کلیسا و سلسله‌مراتب آن، نظمی بر ساختار گسترده کلیسا حکمفرما ساخته است که همه پیروان آن را مطیع خود ساخته است. به طور کلی، کلیسای انگلیس، براساس ساختار فکری جماعت آن بنا شده است، ولی در کلیسای کاتولیک رم، اصل و مبنا اصولی است که از زمان حوارین حضرت عیسی و بعد متفکران دینی آن تعیین می‌شود.